

آیت‌الله تهرانی می‌گوید: هر کس در اجابت دعایش تأخیر دید، بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»؛ خدا را در هر حال سپاس می‌گویم، چه در حالی که دارد به من می‌دهد و چه زمانی که هنوز به من نداده است.

به گزارش خبرگزاری فارس، آیت‌الله مجتبی‌تهرانی از اساتید برجسته اخلاق در تازه‌ترین جلسه از جلسات اخلاق و معارف اسلامی ویژه ماه مبارک رمضان به موضوع «#171 مراحل اجابت دعا» پرداخت که مشروح آن در پی می‌آید:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛

#171&: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا تَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ»

مروری بر مباحث گذشته

عرض شد ماه مبارک رمضان ماه تلاوت قرآن، کلام الهی و ماه دعا است، یعنی راز و نیاز با پروردگار و طلب حاجات، چه دنیوی، چه اخروی، چه برای خود و چه دیگران، که بحث کردم. به مناسبت ایام در جلسه گذشته تذکراتی دادم و روایتی هم مطرح کردم که البته قبلاً بحث‌هایی در باب نسبت حالت داعی در دعا و اینکه کسی که دعا می‌کند چه حالتی باید داشته باشد شده بود. جلسه گذشته روایتی بود که می‌خواهم به آن اشاره کنم و آن اینکه دو دید مطرح کرد؛ که یکی نسبت به خودش و دیگری نسبت به پروردگارش بیان می‌کرد.

حاجتِ حاضر

در اینجا مسئله دید به خود را کنار می‌گذارم و دیدی که باید نسبت به پروردگار داشته باشد را مطرح می‌کنم. در مورد مسئله استجاب دعا این تعبیر در روایت از امام صادق (علیه‌السلام) بود که: «إِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ يَقْبَلُكَ وَ ظَنَّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ»؛ یعنی دعا کردن باید با «اقبال به قلب» باشد و بعد از آن هم باید حاجت خود را حاضر بینی.

اجابت دعا با چه دلی است؟

روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) است که در همین رابطه، این تعبیر را می فرماید: ««إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظَرٍ قَلْبٍ سَاهٍ»؛ خداوند دعایی که از دل غافل باشد به اجابت نمی رساند. بنابراین چگونه باید باشد؟ این جا حضرت دو حالت را برای داعی در حین دعا تفکیک کرده: ««فَإِذَا دُعَوْتُ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ»؛ یک: هرگاه دعا کردی با توجّه به قلب باشد و رو به سوی خدا داشته باشی. جلسه گذشته عرض کردم که لقلقه زبان نباشد و تمام دلت متوجّه خدا باشد. دو: ««ثُمَّ اسْتَيْقِنْ بِالْإِجَابَةِ»؛ این تعبیر خیلی قوی تر از روایت قبلی است. آنجا ««ظَنٌّ» بود، اما اینجا ««يَقِينٌ» را آورده است؛ یعنی یقین داشته باشد که به اجابت می رسد. این متن روایات ما است: ««ثُمَّ اسْتَيْقِنْ بِالْإِجَابَةِ»؛ یقین داشته باش که دعایت به اجابت می رسد. حالا این برای حین دعا بود که حالت آن را عرض کردم اما می رویم سراغ بعد از دعا.

دو حالت برای داعی

در باب بعد از دعا، به طور غالب این طور است که انسان در انتظار اجابت است. این طور نیست؟ این مطالبی که می گویم همگانی است. در اینجا از دو حال خارج نیست؛ یک: و آن اینکه آثار اجابت را می بینم؛ مثل اینکه گره آرام آرام باز می شود. حالت دوم اینکه: می بینم که از اجابت خبری نیست، پس در اینجا چه برخوردی می کنم؟

نمک خوردی، اقلًا نمکدان را نشکن!

یکی دو روایت می‌خوانم و جواب را می‌دهم. روایت از پیغمبر اکرم داریم که به طور کلی می‌گوید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا عَرَفَ الْإِجَابَةَ مِنْ تَفْسِيهِ فَشَفَى مِنْ مَرَضٍ أَوْ قَدِمَ مِنْ سَقَرٍ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي وَجَلَّالَهُ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ؟> حضرت می‌فرماید: چگونه است که هرگاه یکی از شما می‌بیند که دعایش دارد به اجابت می‌رسد و خدا به دعایش جواب داده، «عَرَفَ الْإِجَابَةَ مِنْ تَفْسِيهِ؟> حضرت مثال می‌زند: فرض کنید که شخصی بیماری‌ای داشته و بعد می‌بیند که آرام آرام فروکش می‌کند و یا شخص دیگری مسافری داشته و از او خبری ندارد، اما خبرش می‌آید که به سلامت رسیده است و می‌بیند که سلامت است و دارد می‌آید و امثال این‌ها. حضرت مثال می‌زند تا ما بفهمیم. در این مواقع چه چیزی جلوگیری از این می‌شود که وقتی این شرایط پیش می‌آید بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي وَجَلَّالَهُ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ؟> سپاس خداوندی که با عزت و جلال او کارهای نیک انجام می‌گیرد. این تشکر و سپاسگزاری است؛ تعبیر ساده و خودمانی می‌کنم، حضرت می‌گوید: نمک به حرام نباش! دعا کردی و می‌بینی که انگار گره، آرام آرام دارد باز می‌شود، پس زود به محضر خدا برو و بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ؟> خدایا! سپاس تو را است که به عزت و جلالت عنایت می‌کنی. به تعبیر من بعد از دعا، اگر اجابت را می‌بینی، نمک به حرام نباشید.

اگر دعا به اجابت نرسید چه کار کنیم؟

روایت دیگری داریم که آن هم از پیغمبر اکرم است که حضرت فرمود: «إِذَا سَأَلَ أَحَدُكُمْ رَبَّهُ مَسْأَلَةً فَتَعَرَّفَ الاسْتِجَابَةَ فَلْيَقُلْ؟> اگر یکی از شما از پروردگارش درخواستی کرد و بعد هم دید که دارد به اجابت می‌رسد پس بگوید: «فَلْيَقُلْ؟> اینجا حضرت امر می‌کند، «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي وَجَلَّالَهُ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ؟> این برای آنجایی است که نشانه‌های اجابت را می‌بینم. اما در آنجایی که تأخیر در اجابت می‌بینم، «وَمَنْ أَبْطَأَ عَنْهُ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ؟> یعنی هر کس در اجابت دعایش تأخیر دید، «فَلْيَقُلْ؟> اینجا بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ؟> خدا را در هر حال سپاس می‌گویم، چه در حالی که دارد به من می‌دهد و چه زمانی که هنوز به من نداده.

مگر از خدا طلب داری؟

چرا؟ مسئله این است و بحثی هم در دعا داریم. از اموری که در دعا از آن منع شده و البته مضر هم هست مسئله استعجال در اجابت است. یک وقت می‌بینید که اجابت می‌رسد، معلوم است که چگونه با خدا برخورد می‌کنم. اما آنجایی که می‌بیند هنوز خبری نشده، در اینجا باید اشاره کرد که: مراقب باشد تا حالت استعجال در اجابت برای او پیش نیاید، چون همین حالت موجب می‌شود که در اجابت تأخیر بشود. تا خدا می‌بیند، این حالت پیدا شد می‌گوید: فعلاً دست نگه دارید و به او ندهید. نه اینکه مطلقاً به او ندهید. حالا نمی‌خواهم بگویم، چه بسا گاهی خود ما هم همین‌طور باشیم. در باب استعجال در دعا، روایت می‌خوانم و مطلب را هم معنا می‌کنم.

قوانین خلقت استوار است

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) است که می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي حَاجَتِهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجَلْ؟> وقتی بنده دعا می‌کند، خدا دنبال این است که حاجت او را بدهد. چه بسا یک سنخ مقدّماتی در کار باشد، اما این‌طور نیست که خدا سلسله اسباب و مسببات را برای خاطر بنده به هم بزند. به قول ما، قوانین خلقت که نباید به هم بخورد. باید قوانین بر جای خودش باشد و بر همان روالی که باید به دست من برسد، از همان مسیر برسد، حال چه به نفع من باشد یا به ضرر من؛ در حقیقت خدا در صدد این است که این را هر طور که هست به دست من برساند؛ اما معقول و مشروع به دست من برسد.

عبد شتاب نکند؟!

حالا سؤال اینجا است که این تا چه وقت است؟ «مَا لَمْ يَسْتَعْجَلْ؟> یعنی خدا پیوسته در کار حاجت او است اما به شرطی که عبد شتاب نکند و شتاب به خرج ندهد. یعنی چه؟ به این معنا که تا وقتی داعی، شتاب به خرج ندهد، به اجابت نمی‌رساند. حالا اینکه عبد شتاب به خرج ندهد یعنی چه؟

اثر استعجال: از خدا رو برمی‌گرداند!

در روایتی از ابوبصیر است که از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند. می‌گوید، حضرت فرمودند: «مَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ يَخِيرُ وَرَجَاءِ رَحْمَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؟> مؤمن همیشه در مسیر خیر است و امیدهایی هم که دارد تا به آن برسد، بر اثر رحمت الهی نسبت به او است؛ اما: «مَا لَمْ يَسْتَعْجَلْ فَيَقْتَطَعْ وَيَتْرَكَ الدُّعَاءَ؟> تا موقعی که حالت استعجال برای او پیش نیاید. حضرت توضیح می‌دهند که: می‌دانی اگر حالت استعجال یعنی انتظار از اینکه خدا زود برساند و شتابزدگی کند پیش بیاید، چه در پی دارد؟ در حالت شتاب این اتفاق می‌افتد که وقتی عبد ببیند حاجت برآورده نشد، اینجا است که به حالت قنوط و یأس مبتدل می‌شود. از خدا ناامید می‌شود و

بعد هم دعا را ترک می‌کند؛ یعنی رویش را از خدا برمی‌گرداند. این‌ها را چون مناسب دیدم که بعد از لیالی قدر مطرح کنم تذکر می‌دهم.

این کار را نکن!

وقتی می‌بینی به زودی به دستت نرسید، به حالت استعجال رو نیاوری که این، قنوط را در پی می‌آورد. یعنی چه؟ به این معنا که از خدا ناامید می‌شوی و باز این ناامیدی چه در پی دارد؟ ترک دعا؛ یعنی از خدا رویم را بر می‌گردانم. در حرف‌های من دقت کنید و ببینید که معارف ما چقدر زیبا است.

استعجال یعنی چه؟

وقتی جناب ابوبصیر این را از امام صادق(علیه‌السلام) می‌شنود، نقل می‌کند که: «قُلْتُ لَهُ كَيْفَ يَسْتَعْجِلُ؟>; به آقا عرض کردم: ممکن است به ما بفرماید: چگونه است که بنده دعا می‌کند و بعد هم در دعا استعجال می‌کند؟ استعجال را برای ما معنا کنید؟ ما گفتیم «شتابزدگی در اجابت>; اما این یک مفهوم ذهنی است. او می‌خواهد تا مسئله را برای ما روشن کند. «قَالَ يَقُولُ>; حضرت فرمود: خواهیم گفت که استعجال یعنی چه؟ یعنی: عبد دعا می‌کند، بعد هنوز حاجتش به او داده نشده، شروع می‌کند و این حرف را می‌زند: «يَقُولُ قَدْ دَعَوْتُ مُنْذُ كَذَا وَ كَذَا وَ مَا أَرَى الْإِجَابَةَ>; می‌گوید: مدت‌ها است دعا کرده‌ام اما از اجابت خبری نیست، «دَعَوْتُ مُنْذُ كَذَا وَ كَذَا وَ مَا أَرَى الْإِجَابَةَ>; مدتی است که از خدا خواستیم اما جوابی نمی‌شنوم و چیزی از اجابت نمی‌بینیم. البته ابوبصیر انسان فاضلی است. مسئله این است که مواظب باشید تا یک وقت کارتان به این‌جا نکشد. عرض کردم که از دو حالت خارج نیست. یکی اینکه سپاسگزاری خدا را بکنید و دیگری اینکه از خدا طلبکار نشوید.

کاروان خالی

در مقاتل می‌نویسند: در روز عاشورا بعد از آنکه صحنه‌ها تمام شد؛ عرسعد دستور دارد که به جنازه‌ها و پیکرهای نحس لشکرش نماز بخوانند و دفن کنند. اما پیکر مقدس اولیاء خدا بر روی زمین کربلا مانده است. روز یازدهم بود که کاروان آماده حرکت شدند. خاندان حسین(علیه‌السلام)، بی‌بی‌ها و بچه‌ها را سوار مرکب‌ها کردند تا به سمت کوفه ببرند. مقدمه کوتاهی می‌گویم و بعد به توسل می‌پردازم. دارد که امام حسین(علیه‌السلام) وقتی از مکه خواست حرکت کند و به سمت کوفه بیاید، خیلی با عظمت بود. شاید حدود بیش از دویست یا سیصد کجاوه و... که مورد احتیاج این کاروان بود را همراه داشتند. کجاوه‌ها مخصوص بود، من جمله کجاوه زینب(سلام‌الله‌علیها) که خیلی با عظمت است. دارد وقتی زینب خواست حرکت کند و از داخل منزل بیاید تا سوار بر محمل بشود، قاسم دوید و چهارپایه‌ای آورد و پای کجاوه گذاشت؛ اباالفضل آمد و وقتی دید اصحاب ایستاده‌اند، به آن‌ها رو کرد و گفت: «عُضُّوا أَبْصَارَكُمْ>; چشمانتان را ببندید؛ که کسی پیکر خواهرش زینب را نبیند. آمد و زانو خم کرد که زینب پایش را بر روی زانوی برادر بگذارد. علی اکبر پرده محمل را کنار زد و حسین(علیه‌السلام) زیر بغل‌های زینب را گرفت. سوار بر کجاوه شد. زینب(سلام‌الله‌علیها) این‌طور از مکه حرکت کرد. اما حالا می‌خواهد از کربلا حرکت کند. مقایسه‌ای بکنید و ببینید چگونه است؟